

سعد شاذلی

دست‌های بسته جنگجو

روز ۱۸ اکتبر، شاذلی که تا اینجا جای جنگ را با موفقیت اداره کرده بود از سادات خواست به او اجازه بدهد سه گذرگاه قفقزه، گیدی و میتلارا که شاه کلید فتح سینا بودند بگیرد، اما سادات به ۳۰۰۰ کماندوی ورزیده ارتشش دستور استراحت داد. ۶ روز بعد، در ۱۱۴ اکتبر، این درخواست شاذلی جواب مثبت گرفت، ولی دیگر خیلی دیر شده بود: ۸۰۰ تانک و ۷۰ هزار نیروی مصری خود را مقابل ۶۰۰ تانک و ۱۵۰ هزار سرباز رژیم صهیونیستی دیدند. نتیجه این دیر کرد، نابودی ۲۵۰ تانک مصری بود. روز ۱۱۹ اکتبر، شاذلی از سادات خواست ۴ تیپ زرهی مصر را از سینا بیرون بکشد تا از تلفات بیشتر جلوگیری شود، اما سادات او را به ترس و نافرمانی متهم کرد و القمسی، یکی دیگر از افسران مصری را جانشینش کرد. تصمیم گیری‌های خودسرانه سادات سرانجام باعث شد شارون، فرمانده قوای رژیم صهیونیستی بتواند از کانال سوئز عبور کند و در دور زدن سپاه سوم ارتش مصر، آنها را محاصره کند. اتفاقی که حکم تیسر خلاص را برای مصری‌ها داشت. گرچه جنگ با آتش بس سلازمان ملل پایان گرفت، اما تنش سادات و شاذلی تازه آغاز شده بود. سادات با بهانه سپردن سفارت مصر، شاذلی را ابتدا به انگلیس و بعد به پرتغال تبعید کرد. اما شاذلی با پارا برای انتقاد شدید از شخص اول مصر فراتر گذاشت و مذاکرات صلح کمپ دویوید را زیر سؤال برد. سادات این بار رسماً او را به الجزایر تبعید کرد. آنجا بود که شاذلی نوشتن کتاب انتقاد آمیزش «عبور از کانال» را شروع کرد و ضمن کامل کردن آن در تبعید، «جبهه ملی مصر» را پایه‌گذاری کرد؛ ائتلافی سیاسی که به مخالفت با سادات و زمینه‌چینی برای تشکیل دولتی دموکراتیک می‌پرداخت. وقتی در سال ۱۹۸۰ «عبور از کانال» بدون اجازه وزارت دفاع مصر چاپ شد، شاذلی در دادگاهی نظامی در مصر غیاباً به ۳ سال زندان محکوم شد. دوازده سال بعد که دیگر خبری از سادات نبود یعنی در سال ۱۹۹۲ شاذلی به مصر برگشت، اما بلافاصله مردان حسنی مبارک او را دستگیر کردند و زندانی‌اش کردند. شاذلی در بخشی از کتاب خود می‌نویسد: «رئیس‌جمهور و مشاورانش به جای اینکه دلیل رد کردن حرف‌های مرا توضیح دهند، همه تقصیرها را گردن من می‌اندازند. او بهترین ارتش تاریخ مصر را هم پاشانده، بزرگ‌ترین کمک نظامی شوروی به مصر را به باد فناداد و تمام تلاش‌های یک نسل کامل از مصری‌ها را نادیده گرفت. من نگران تلاش‌های خود و هم‌زمانم که با تمام وجود جنگیدند نیستم؛ چیزی که مرا ناراحت و عصبانی می‌کند دست‌آورد اذ دست‌رفته نیروهای مسلحمان و بی‌تفاوت گذشتن از کنار تمرین‌های سخت و مراحل آماده‌سازی نیروها برای عبور از کانال است.»

در سال ۱۹۴۸ آلمان‌ها به غرب صحرای سینا پورش بردند. در آنجا یک افسر جوان مصری با نیروهایش در برابر آنها ایستاد. همین افسر جوان در جنگ شش‌روزه هم برای نبرد با رژیم صهیونیستی به صحرای سینا رفت، اما چون خوب پشتیبانی نشد همه مردان گروهش از بین رفتند. افسر جوان تک و تنها، با پای پیاده از صحرای سینا گذشت و عرض کانال سوئز را شنا کرد تا به مصر برسد. در یاسالار گورچکوف، فرمانده ستاد ارتش شوروی در دوران جنگ سرد، روزی به عبدالناصر، رئیس‌جمهور وقت مصر گفت که این افسر جوان استعداد تبدیل شدن به یک فرمانده کاردار را دارد، اما عمر عبدالناصر به قدرشناسی این افسر کفاف نداد. تا اینکه سادات، جانشین ناصر او را رییس ستاد ارتش مصر کرد. این افسر جوان کسی نبود جز سعد شاذلی. سعدالدین شاذلی متولد سال ۱۹۲۲ در شهر بسیون استان الغربیه مصر است. او در سال ۱۹۴۸ اولین نبرد زندگی‌اش با رژیم صهیونیستی را تجربه کرد، در سال ۱۹۵۴ نخستین تیپ چتربازان مصر را تشکیل داد، در سال ۱۹۶۰ فرماندهی اولین نیروهای متحد عربی در کنگورا زیر نظر سازمان ملل بر عهده گرفت و از ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ فرمانده نیروهای نظامی مصر در دریای سرخ شد. تا اینجا او کارهای ارزنده‌ای برای ارتش مصر انجام داده بود، اما شهرت او دلیل دیگری دارد.

وقتی در مارچ ۱۹۷۳ همه راه‌های دیپلماتیک مصر برای حل مسائل این کشور با همسایه غاصبش به بن‌بست رسید، سادات از شاذلی خواست ارتش را برای «مرگ یازندگی» آماده کند. شاذلی هم در اولین اقدام با استفاده از موشک‌های زمین به هوای سام، دگرگونی بزرگی در سامانه دفاعی مصر پدید آورد. او گرچه حالا یک ارتشی شاخص بود، اما هنوز ضرب شستش را ندیده بودند. این اتفاق در جنگ اکتبر افتاد.

در جنگ اکتبر شاذلی برای حل مشکل پیچیده عبور ارتش مصر از کانال سوئز و نفوذ در دژ بارلو، از کانال‌های آب آلمان و پل‌های معلق شوروی استفاده کرد. کاری که به بهانه برگزاری «مانور تحریر ۴۱» و در عملیاتی به نام «بدر» با مهارت هر چه تمام‌تر شروع کرد و با سرعتی باورنکردنی به پایانش رساند.

سقوط بارلوی می‌توانست تکلیف جنگ را یکسره کند، ولی سادات سرمست از این موفقیت، فراموش کرده بود که رژیم صهیونیستی به خاطر شاذلی چنین نیلی محکمی خورد. همین غفلت، عامل اصلی ناکامی مصر در جنگ و بالاگرفتن اختلافات شاذلی و سادات بود.

18 oct

پل معلق رژیم صهیونیستی لشکر برن و ماگن یک پل معلق ۴۰۰ تنی به کانال می‌اندازند. آنها با این کار از کانال می‌گذرند و در سمت غرب آن پایگاه‌های ساحلی بیشتری می‌زنند.

19 oct

برگشت ورق جنگ سوریه واردن به جولان حمله می‌برند، ولی توفیقی حاصل نمی‌شود چون ناهماهنگ عمل می‌کنند. سربازان صهیونیست در راه جنوب با مقاومت شدید نیروهای مصر در تپه‌های جنیفا مواجه می‌شوند. لشکر شارون



سوریه واردن هم‌زمان به جولان یورش بردند، اما به دلیل ناهماهنگی کاری از پیش نبردند.

20 oct

میانجیگری ابر قدرت‌ها کیسینجر برای صحبت در مورد آتش‌بس به مسکو سفر می‌کند. شوروی هم به سادات پیغام می‌دهد که آماده آتش‌بس باشد، البته اگر مذاکرات به نتیجه برسد رژیم صهیونیستی به ۲۰ کیلومتری دمشق می‌رسد.



برژنف و نیکسون هیچکدام دلشان نمی‌خواست بازنده این معرکه باشند.

21 oct

زنگ خطر برای قاهره لشکر شارون و آدان برای محاصره سپاه دوم و سوم مصر به سمت شمال و جنوب حرکت می‌کنند. دو سپاه از هم جدا می‌شوند. زمینه برای حرکت آزادانه دشمن از غرب، جنوب و شمال هموار می‌شود. رژیم صهیونیستی به فاصله ۱۰۱ کیلومتری قاهره می‌رسد.

ادامه ناهماهنگی سوریه واردن در یورش به دشمن سبب می‌شود ۱۲۰ دستگاه تانک آنها در حدود ۷ ساعت منهدم شود.

